

Factors affecting the level of political participation of women; emphasizing the number of female ministers in different governments of the Islamic Republic of Iran

Jalil Dara*

Received: 2021/11/23

Elahe Sadeghi**


Accepted: 2022/04/06

Women's political participation in major areas of political decision-making, such as the ministry, is a key component of political development. To this end, countries seek to strengthen women's participation in power structure and political decision-making in order to move towards political development. The Islamic Republic of Iran is no exception to this and to date, many measures have been taken to strengthen women's participation in the political arena, especially in the ministry. However, since the founding of the Islamic Republic, the number of women ministers has always been one; Therefore, the question is why the number of women ministers in the system of the Islamic Republic of Iran is limited and what are the effective factors in the occurrence of this situation? To answer this question, the sociological approach and the Delphi method and Shannon technique were used and the researchers collected the views of 10 political science experts and the findings showed that the most important factor that led to the limited number of women ministers in The system of the Islamic Republic has become one of the "political" factors and then the "family" factor; "social"; It is "cultural" and "personal".

Keywords: Government, Islamic Republic of Iran, Ministry, Political participation, Women.


* Associate Professor of Political Science-Iranian Issues, Tarbiat Modares University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

jaliledara@gmail.com

 0000-0003-3751-9212

** PhD in Political Science from Allameh Tabatabai University, Lecturer at Allameh Tabatabai University, Tehran, I.R.Iran.

e_sadeghi100@yahoo.com

 0000-0003-1581-4923

دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال هجدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۶)، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص. ۳۷۷-۴۰۰

عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت سیاسی زنان؛ با تأکید بر تعداد وزرای زن در دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷

مقاله برای بازنگری به مدت ۲۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

جلیل دارا*

الهه صادقی**

چکیده

مشارکت سیاسی زنان یکی از مؤلفه‌های سنجش میزان توسعه‌یافتگی سیاسی است. بر همین اساس اغلب کشورها برای گام نهادن در مسیر توسعه سیاسی، در تلاش هستند تا مشارکت زنان را در عرصه تصمیم‌گیری ارتقا بخشند. مشارکت فعال و معنادار زنان یکی از ارکان اصلی تأسیس و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است و به همین دلیل از ابتدای شکل‌گیری دولت‌های مختلف، اقدامات فراوانی صورت گرفت تا این مشارکت، صیانت و تقویت شود. با این وجود بررسی تعداد وزرای زن بیانگر آن است که این شاخص در حد یک نفر بوده است؛ لذا این پرسش مطرح است که عوامل تأثیرگذار بر محدود ماندن تعداد وزرای زن در دولت‌های مختلف، کدامند؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش از روش دلفی و روش شانون استفاده شد و پژوهشگران دیدگاه‌های ۱۰ نفر از صاحب‌نظران رشته علوم سیاسی را دریافت و تحلیل نمودند. یافته‌ها نشان داد مهم‌ترین عاملی که منجر به محدود ماندن تعداد وزرای زن شده، از دسته عوامل «سیاسی» و پس از آن، عوامل «خانوادگی»، «اجتماعی»، «فرهنگی» و «شخصی» قرار دارند.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، دولت، زنان، مشارکت سیاسی، وزارتخانه.

* دانشیار علوم سیاسی - مسائل ایران، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

jaliledara@gmail.com

0000-0003-3751-9212

** دانش آموخته دکتری علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

e_sadeghi100@yahoo.com

0000-0003-1581-4923

مقدمه

بیان مسئله: مشارکت از شاخص‌های محوری توسعه سیاسی است و به همین خاطر تلاش برای تقویت میزان آن در دستور کار نظام‌های سیاسی مردم‌سالار قرار دارد. در این راستا زنان به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های هدف در توسعه مشارکت سیاسی مطرح می‌باشند. در پی تأسیس جمهوری اسلامی، تلاش‌های فراوانی برای تقویت مشارکت سیاسی زنان صورت گرفته که تصریح و تأکید بر حقوق سیاسی از جمله این اقدامات مهم است. با این وجود در سطح هیئت دولت، هنوز شاهد مشارکت محدود زنان هستیم؛ که انتصاب یک زن در سطح وزرا، مؤید این مسئله است.

اهمیت: جمهوری اسلامی ایران به دلیل مردم‌سالار بودن نمی‌تواند نسبت به میزان و نوع مشارکت سیاسی زنان بی‌توجه باشد. این امر بیانگر اهمیت نظری و کاربردی موضوع حاضر است؛ چراکه از یک سو پژوهش حاضر می‌تواند به تقویت مطالعات در این حوزه کمک کند و از سوی دیگر فهم و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان، می‌تواند زمینه مناسب برای ارائه راهکار جهت برون‌رفت از این وضعیت را فراهم سازد که نشانگر اهمیت کاربردی پژوهش است.

ضرورت: عدم توجه به عوامل تأثیرگذار بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان می‌تواند توسعه سیاسی هر کشوری را با دشواری‌های روبه‌رو سازد. به همین منظور ضروری است که این عوامل شناسایی گردد تا در تدبیر سیاست‌گذاران در خصوص رفع مشکلات پیرامون مشارکت سیاسی زنان لحاظ شود.

اهداف: تقویت و افزایش مشارکت سیاسی زنان در جامعه ایران، هدف اصلی پژوهش حاضر است. در همین راستا، شناسایی و تبیین ظرفیت‌های علمی و کاربردی جامعه زنان در عرصه مدیریت سیاسی، و کمک به کارشناسان و سیاست‌گذاران این حوزه برای استفاده از این توانمندی‌ها، به عنوان دو هدف فرعی پژوهش مدنظر بوده‌اند.

سؤال‌ها و فرضیه‌ها: پژوهش حاضر اکتشافی بوده و فرضیه‌آزما نیست. سؤال اصلی عبارت است از: عوامل تأثیرگذار بر محدود ماندن تعداد وزرای زن در دولت‌های ایران کدامند؟ سؤال‌های فرعی نیز عبارتند از: مولفه‌های موثر در شکل‌گیری مشارکت سیاسی کدامند؟ و رویکردهای مختلف در سنجش مشارکت سیاسی در ایران کدامند؟

۱. پیشینه پژوهش

۱-۱. سابقه مطالعاتی موضوع در نشریه دانش سیاسی

با دو کلیدواژه «زنان» و «مشارکت سیاسی»، فقط یک مقاله در نشریه دانش سیاسی منتشر شده است. عیوضی و کریمی (۱۳۹۰) معتقدند که رکود روند حضور زنان در سده‌های پس از ظهور اسلام به‌ویژه در سده‌های میانی، موجی از جنبش‌های مساوات‌طلبانه را در پی داشته که با افراط و تفریط‌هایی مواجه شده و نهاد خانواده را در جوامع غربی به‌شدت متزلزل کرده است. بر این اساس نویسندگان این مقاله، به دلیل وجود این رویه‌های غلط، مراجعه به قرآن کریم و سنت نبوی را در خصوص نحوه مشارکت اجتماعی زنان به عنوان یک ضرورت برای کلیه جوامع بشری مطرح کرده‌اند.

۲-۱. سابقه پژوهشی در سایر منابع

با توجه به اهمیت موضوع موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران، شاهد انتشار منابع متعددی هستیم که می‌توان این منابع را از حیث رویکرد محتوایی به دو گروه تقسیم کرد: الف. آثاری که صرفاً بر ملاحظات درونی تمرکز دارند: محمدی اصل (۱۳۸۱) معتقد است که علت عدم مشارکت سیاسی زنان مربوط به حوزه‌های درونی زنان و عدم تمایل جنسیتی آنان برای مشارکت سیاسی است. ناجی‌راد (۱۳۸۲) در پژوهش خویش نشان می‌دهد که بخش بزرگی از موانع مشارکت سیاسی زنان مربوط به حوزه درونی و عدم تمایل شخصی زنان به فعالیت‌های سیاسی است.

ب. آثاری که بر عوامل داخلی و خارجی تمرکز دارند: این نویسندگان به طیف متنوعی از عوامل داخلی و خارجی نظر دارند. برای مثال مصفا (۱۳۷۵) بر «ساختار سیاسی و نظام ارزشی حاکم» و «فمینیسم، نظام اقتصادی اجتماعی سرمایه‌داری و اقدامات سازمان ملل» اشاره دارد. نژاد بهرام (۱۳۸۸) از «شخصیت افراد»، «آموزش»، «عملکرد رسانه» و «ساختار اجتماعی» سخن گفته است. خلیلی (۱۳۸۶) نقش «باورها و ساختار اجتماعی و اقتصادی» را برجسته ساخته؛ در حالی که آگهی (۱۳۹۶) باور زنان در عدم توانایی در سیاست، مشکلات و ضعف جسمانی، کار و فعالیت زیاد زنان در منزل، پذیرش مقام سلطه و نداشتن تجربه فعالیت سیاسی را دلیل کاهش مشارکت زنان می‌داند. از دیدگاه کار (۱۳۸۰) تفسیر سنتی از دین دلیل این محدودیت بوده است.

با تأمل در منابع موجود مشاهده می‌شود که این منابع، به رغم دستاوردهای مهمی که داشته‌اند، از یک‌سو تصویری تک‌بعدی از ابعاد مختلف مسئله محدود بودن مشارکت سیاسی زنان را ارائه می‌دهند. از سوی دیگر تا به امروز بررسی عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در ایران با روش کمی و ارائه داده‌های آماری از سوی صاحب‌نظران سیاسی صورت نگرفته و اغلب پژوهش‌ها با روش کیفی و بیشتر با هدف گردآوری مفاهیم و تعریف آنها بوده است و همین نقصان، نوآوری روشی مقاله حاضر را نیز نشان می‌دهد.

۲. چارچوب مفهومی و نظری

۲-۱. مشارکت سیاسی

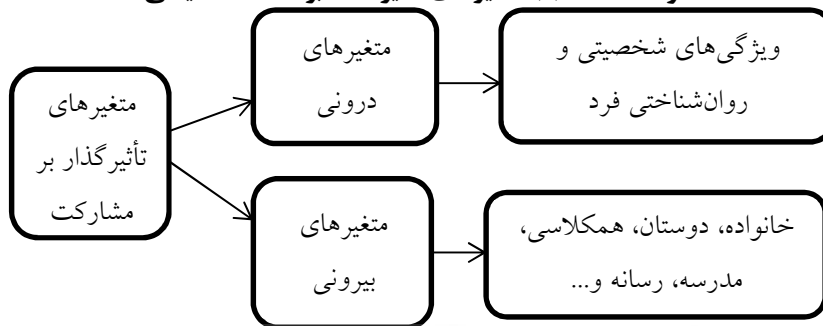
مشارکت سیاسی پدیده‌ای پیچیده است که به صورت‌های متفاوت تعریف می‌شود. برخی مشارکت سیاسی را عملکرد آگاهانه و داوطلبانه افراد در انتخاب رهبران جامعه می‌دانند (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص. ۵۲۲)، چنان که برخی مشارکت سیاسی را نقش آفرینی شهروندان در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دولت می‌دانند (فیروزجائیان، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۹-۸۳). در مجموع مشارکت سیاسی فعالیت ذهنی و عملیاتی در عرصه سیاست است که در قالب سازمان یا گروهی برای دستیابی به هدف مشترک متبلور می‌شود (دارا و صادقی، ۱۴۰۰، ص. ۲۶). بنا بر موضوع پژوهش حاضر تعریفی موسع از مشارکت سیاسی مدنظر محققان است که نشان‌دهنده چندبعدی بودن مفهوم مشارکت سیاسی است؛ یعنی مشارکت سیاسی، اثرگذاری شهروندان بر امور جمعی را شامل می‌شود (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۹، ص. ۳۰).

۲-۲. متغیرهای مؤثر بر مشارکت سیاسی

اندیشمندان علوم سیاسی از سطوح مشارکت سیاسی به عنوان سلسله مراتب مشارکت سیاسی، در قالب مدل‌های مختلف مشارکت، یاد می‌کنند که نشانگر ابعاد و عمق مشارکت سیاسی می‌باشد. در این مدل‌ها، رأی دادن در پایین‌ترین سطح و داشتن مقام سیاسی در بالاترین سطح مشارکت قرار دارد (پالیزان، ۱۳۹۰، ص. ۴۲-۳۳؛ هاشمی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۶). از رهگذر تحلیل این نظریه‌ها می‌توان متغیرهای اصلی در

تعیین میزان مشارکت سیاسی را به شکل نمودار زیر خلاصه و بیان کرد:

نمودار شماره (۱): متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی



(منبع: طراحی توسط نویسندگان)

بنا بر توضیحات ارائه شده، پژوهش پیش‌رو، به دنبال بررسی عوامل تأثیرگذار (عوامل درونی و بیرونی) بر مشارکت سیاسی زنان است. در این بررسی از یک‌سو عوامل درونی که جهت‌گیری و نگرش‌های زنان را نسبت به مشارکت سیاسی سمت‌وسو می‌دهند و از سوی دیگر عوامل بیرونی که این نگرش‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، مورد توجه است؛ البته نکته حائز اهمیت این است که فرایند «اجتماعی شدن» در بین عوامل بیرونی به عنوان مسیر و راه جامعه‌پذیری زنان تعیین شده است که بر همین اساس، در این پژوهش رویکرد جامعه‌شناختی مبنای قرار گرفته است.

۲-۳. رویکرد جامعه‌شناختی

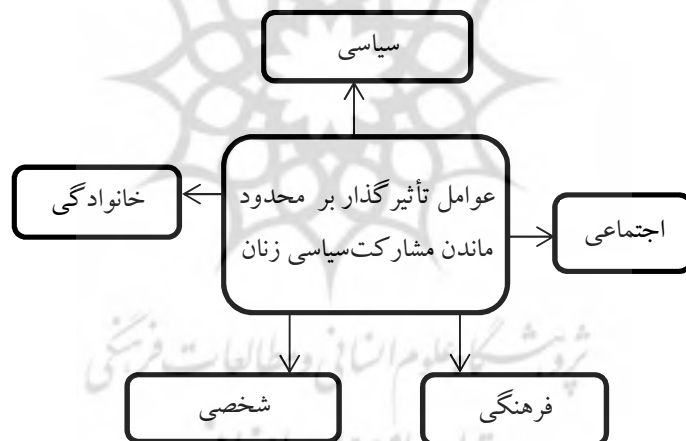
پژوهش حاضر بر مبنای رویکرد جامعه‌شناختی تدوین شده است. «جامعه‌پذیری» آموزش مستمر برای آشنایی افراد و گروه‌های اجتماعی با قواعد، ارزش‌ها، اصول اخلاقی و فرهنگی جامعه و نظام سیاسی حاکم بر آن است (نقیب‌زاده، ۱۳۷۵، ص. ۱۸۵). نظام اجتماعی به وسیله ابزارهای مختلف نظیر آموزش‌های فرهنگی و ارزشی، افراد را تربیت می‌کند تا در آینده بتوانند مسئولیت‌های کوچک و بزرگ را در جامعه انجام دهند. بنابراین نظام خانواده، نظام آموزشی (از مهد کودک تا عالی‌ترین سطوح تحصیلات دانشگاهی) و رسانه‌ها، نقش مهمی در جامعه‌پذیر نمودن افراد جامعه دارند. بر این اساس جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که در آن افراد با قواعد، ارزش‌ها و

نگرش‌های سیاسی آشنا می‌شوند و الگوهای رفتار سیاسی را می‌پذیرند. در این فرایند افراد یاد می‌گیرند که باید با مشارکت در روند تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی در سرنوشت خویش مشارکت نمایند. جامعه‌پذیری سیاسی به یک صورت انجام نمی‌شود و عوامل مختلفی در جامعه‌پذیری سیاسی نظیر عوامل اولیه (خانواده گروه همسالان) و عوامل ثانویه (مؤسسات آموزشی، احزاب سیاسی و نهادهای صنفی و رسانه‌ها) نقش دارند (راوآراد، ۱۳۸۳، ص. ۲۳۶)؛ برای مثال در خانواده، والدین از طریق بحث و گفتگو در منزل، ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی خود را به فرزندان انتقال می‌دهند و علاقه یا عدم علاقه‌شان را به سیاست و مسائل پیرامون آن بیان می‌کنند. همچنین مدرسه و وسایل ارتباط جمعی نیز به وسیله اشاعه قواعد، ارزش‌ها و حتی فرهنگ سیاسی بر تفکر و رفتار سیاسی افراد تأثیر می‌گذارد. نتیجه آنکه در زندگی روزمره، رفتارهای فرد تحت تأثیر افراد، گروه‌ها و سازمان‌هایی است که با آنها معاشرت و ارتباط دارد (توسلی، ۱۳۶۹، ص. ۳۲۵) و این ارتباط، نحوه عکس‌العمل فرد در مورد مسائل و موضوعات سیاسی را مشخص و تعیین می‌کند.

اغلب صاحب‌نظران علوم سیاسی در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی بر این باور هستند که انسان سیاسی در محیط خانواده و مدرسه رشد می‌کند و اغلب زنان در خانواده و مدرسه و همچنین در مقیاس وسیع‌تر از طریق رسانه‌های جمعی یاد می‌گیرند که سیاست فعالیتی مربوط به مردان است؛ زیرا در جامعه‌پذیری سیاسی، مردان برای فعالیت در عرصه سیاست و زنان برای نقش خانه‌داری، مادری و همسری تربیت شده‌اند که این نقش‌های زنانه با سیاست همخوانی ندارد. در خصوص این موضوع، تحلیل‌گران معتقدند که جامعه‌پذیری پسران و دختران در خانواده، مدرسه، اجتماع متفاوت صورت می‌گیرد و همین جامعه‌پذیری متفاوت به ایجاد تبعیض و شکاف در کسب مشاغل سیاسی منجر می‌شود؛ زیرا زمانی که پسران اعلام می‌کنند که می‌خواهند روزی رئیس‌جمهور شوند؛ تنها دختران می‌توانند آرزو کنند که با مردی ازدواج کند که امکان دارد وی روزی رئیس‌جمهور شود. با این توصیف افراد از همان دوران کودکی یاد می‌گیرند که سیاست مردانه است و این موضوع در رفتار دوره بزرگسالی زن و مرد خود را نمایان می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت که فرایند جامعه‌پذیری سیاسی می‌تواند مانعی برای مشارکت سیاسی زنان در احراز مدیریت سیاسی کلان می‌باشد (میلبراث، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۶).

با عنایت به توضیحات بالا می‌توان چنین اظهار داشت که از دیدگاه پیروان رویکرد جامعه‌شناختی، علاوه بر عوامل درونی (متغیرهای روان‌شناختی)، عوامل بیرونی (موقعیت و وضعیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) بر میزان مشارکت سیاسی افراد تأثیرگذار است. چنان‌که لیپست^۱ اظهار داشته است که الگوی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی در هر نظامی یکسان است و در کنار متغیرهای شخصیتی و روانی فرد، متغیرهایی نظیر خانواده، موقعیت اجتماعی (شهرنشینی و سطح تحصیلات) و موقعیت سیاسی بر مشارکت سیاسی افراد تأثیرگذار است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۸). بر اساس این دیدگاه، متغیرهای بیرونی و درونی از طریق فرایند جامعه‌پذیری سیاسی بر میزان مشارکت سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند. این رویکرد مبنای تحلیل حاضر را شکل داده و در نمودار شماره (۲) معرفی شده است.

نمودار شماره (۲): عوامل تأثیرگذار بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان



(منبع: طراحی توسط نویسندگان)

۳. روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش دلفی استفاده شده است. زمانی که هم‌اندیشی چند متخصص در یک موضوع لازم است تا ایده‌های نوآورانه کشف و بررسی شود؛ ولی برای گردهم‌آوردن آنان، موقعیت و امکانات مناسبی وجود نداشته باشد، می‌توان از روش دلفی بهره گرفت (Linstone, 2002, p. 55).

۳-۱. معرفی روش

روش دلفی در چهار مرحله به شرح زیر در پژوهش حاضر عملی شده است: **مرحله اول.** تدوین پرسشنامه و مصاحبه باز: در این مصاحبه، مؤلفه‌های مهم موضوع مورد نظر که از مطالعه پیشینه پژوهش استخراج شده است در اختیار مصاحبه‌شوندگان گذاشته می‌شود. سپس پژوهشگر بعد از گردآوری پاسخ‌ها، باید براساس اطلاعات به‌دست آمده، پرسشنامه بسته‌ای تهیه کند.

مرحله دوم. تعامل و تضارب فکری: پرسشنامه‌ها بدون ذکر نام هر شرکت‌کننده، در اختیار سایر شرکت‌کننده‌ها قرار می‌گیرد که در آن مؤلفه‌های به‌دست آمده از مرحله اول ذکر شده و باید در این مرحله، هر شرکت‌کننده، ابعاد موضوع را براساس اولویت و اهمیتش ذکر کند. در پایان این مرحله، موضوعاتی که مورد اجماع شرکت‌کنندگان نیست، تعیین و به تدریج اجماع شکل می‌گیرد و پاسخ‌های شرکت‌کنندگان را بدون ذکر نام برای یکدیگر، می‌توان فرستاد تا از پاسخ‌های یکدیگر اطلاع پیدا کنند.

مرحله سوم. کنترل نهایی فردی: در این مرحله دوباره برای هر یک از شرکت‌کنندگان پرسشنامه ارسال می‌شود که در آن خلاصه موضوعات مرحله قبلی ذکر شده و در این مرحله شرکت‌کنندگان دلیل خود را به روشنی درباره موارد عدم اجماع بیان می‌کنند و یا آن را مورد تجدیدنظر قرار می‌دهند.

مرحله چهارم. تدوین نظر جمعی: در این مرحله مجدداً لیستی از موضوعات مورد اجماع و عدم اجماع در اختیار شرکت‌کنندگان گذاشته می‌شود و این مرحله تجدیدنظر و داوری نهایی آنها خواهد بود، البته تعداد تکرار مراحل در روش دلفی بر اساس درجه توافق شرکت‌کنندگان، از ۳ تا ۴ مرحله می‌باشد (Hus, 2007, pp. 10-11).

لازم به ذکر است که محققان از روش شانون برای بررسی و تحلیل داده‌های کسب شده از روش دلفی استفاده نموده‌اند. این روش استفاده از یک فرمول ریاضی برای تحلیل داده‌هاست و برای تعیین و تحلیل اولویت و اهمیت مؤلفه‌ها (عوامل) نسبت به روش سنتی فراوانی و میانگین از اعتبار بالاتری برخوردار است.

۳-۲. کاربرد روش

برای بهره‌مندی از روش دلفی، معمولاً تعداد متخصصین بین ۵ تا ۲۵ نفر لازم است و

این که شرکت‌کنندگان باید «تخصص»، تمایل به مشارکت، زمان کافی برای شرکت در مطالعه دلفی و مهارت‌های ارتباطی مؤثر را داشته باشند. در این پژوهش، با توجه به محدودیت‌های دوران شیوع بیماری کرونا، ده نفر از نخبگان گروه علوم سیاسی، به عنوان گروه نخبگان همکاری داشته‌اند. انتخاب این شرکت‌کنندگان براساس تخصص ایشان در موضوع حاضر بوده که داشتن چند ویژگی نظیر پژوهشگر بودن و داشتن مدرک دکتری در رشته علوم سیاسی (شامل کلیه گرایش‌های این رشته) ملاک انتخاب این افراد بود که تمام شرکت‌کنندگان از این ویژگی‌ها بهره‌مند بودند. در مرحله اول پژوهشگران در مصاحبه به دنبال این بودند که دیدگاه شرکت‌کنندگان را در رابطه با علت محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت کسب نمایند. سپس پژوهشگران داده‌های کسب شده از مطالعه منابع پیشین را برای شرکت‌کنندگان بیان کردند و خواستار نظر آنان شدند.

۴. یافته‌های پژوهش

با توجه سیر چند دوره‌ای کاربست روش، می‌توان یافته‌های پژوهش را در چند محور اصلی به شرح زیر ارایه نمود:

۴-۱. شناسایی اولیه عوامل محدودیت مشارکت سیاسی زنان

فهرست اولیه عوامل تأثیرگذار بر محدودیت مشارکت سیاسی زنان در سطح وزارتی از طریق تحلیل محتوای مصاحبه‌های تخصصی حاصل آمده که به تفکیک نخبگان مورد بحث در جدول شماره ۱ به شرح زیر آمده است:

جدول شماره (۱): نکات کلیدی به دست آمده از مصاحبه با نخبگان در مرحله اول روش دلفی

صاحب نظران	عوامل تأثیرگذار بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارتی
۱	• تعهدات خانوادگی • اولویت و اهمیت نقش مادری، همسراری نسبت به نقش‌های سیاسی
۲	• نمایشی بودن پست‌های مدیریت سیاسی زنان • پایین بودن سطح تحصیلات زنان
۳	• نگرانی زنان برای آسیب رساندن به شئون مذهب با ورود به عرصه عمومی
۴	• اولویت نقش مادری، همسراری نسبت به نقش‌های سیاسی

صاحب‌نظران	عوامل تأثیرگذار بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارتی
۵	<ul style="list-style-type: none"> • تعهدات خانوادگی (اهمیت نقش خانه و خانواده) • پایین بودن سطح تحصیلات زنان
۶	<ul style="list-style-type: none"> • پایین بودن سطح تحصیلات زنان • ناکارآمدی زنان در عرصه سیاست
۷	<ul style="list-style-type: none"> • پایین بودن نقش و حضور زنان در انجمن‌ها، تشکل‌ها و نشریات سیاسی
۸	<ul style="list-style-type: none"> • نداشتن علاقه به عرصه سیاست
۹	<ul style="list-style-type: none"> • عدم احساس ضرورت توسط زنان برای مشارکت در عرصه سیاست • وجود نگرش‌های منفی برای حضور زنان در عرصه سیاست • نگرانی و ترس زنان از نگرش منفی دیگران
۱۰	<ul style="list-style-type: none"> • پایین بودن سطح تحصیلات زنان • عدم خودباوری و اعتماد به نفس در زنان

(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

۴-۲. تدوین عوامل اصلی در محدودیت میزان مشارکت سیاسی زنان

پس از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت از منظر نخبگان به دست آمد. این عوامل با دیگر عوامل به دست آمده از مرور منابع پیشین مورد مقایسه قرار گرفت و در نهایت ۲۳ عامل به عنوان عوامل تأثیرگذار بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت تعیین شد که این فرایند در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

پژوهش‌های پیشین و مطالعات فرسنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره (۲): عوامل به‌دست آمده از مرور منابع و مصاحبه با نخبگان و استخراج عوامل نهایی تأثیرگذار بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت

عوامل تأثیرگذار بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت
۱- مخالفت و عدم حمایت والدین و همسر برای ورود به عرصه سیاست
۲- عدم اعتماد و تمایل برخی از مسئولان برای انتخاب و حضور زنان در عرصه سیاست
۳- وجود فرهنگ مردسالاری در ساختار سیاسی (سیاست امری مردانه است)
۴- عملکرد ضعیف و نامطلوب زنان در حوزه سیاست
۵- نبود و کمی تشکل و انجمن‌های زنانه کارآمد برای آگاهی‌بخشی و کادرسازی مناسب برای ورود زنان به عرصه سیاست
۶- کمبود وقت به دلیل مشغله زیاد برای انجام وظایف مادری و همسری و به تبع نداشتن زمان برای پرداختن به نقش‌های سیاسی
۷- عدم اعتماد عمومی زنان به عرصه سیاست
۸- نداشتن علاقه و انگیزه برای ورود به عرصه سیاست
۹- محدود بودن مؤسسه علمی و مطالعاتی مختص مسائل زنان در کشور به منظور رصد کردن موانع مشارکت زنان و راهکار رفع آنان
۱۰- خجالتی و احساسی بودن زنان
۱۱- عدم حمایت مراکز آموزشی نظیر دانشگاه از مسائل مربوط به زنان در خصوص سیاست
۱۲- عدم حمایت رسانه‌های جمعی (اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی محدود رسانه‌ها در خصوص موضوعات مربوط به سیاست به زنان)
۱۳- فقدان نگرش راهبردی و آسیب‌شناسانه به عوامل محدود بودن مشارکت زنان
۱۴- نقش خانواده در تربیت متفاوت دختران و پسران
۱۵- اولویت و اهمیت نقش مادری، همسرمداری نسبت به نقش‌های سیاسی
۱۶- پایین بودن سطح تحصیلات زنان
۱۷- آموزش متفاوت دختر و پسر و نبود امکانات آموزشی برابر برای ورود زنان به حرفه‌های سیاسی
۱۸- پایین بودن نقش و حضور زنان در انجمن‌ها، تشکل‌ها و نشریات سیاسی
۱۹- عدم خودباوری و اعتماد به نفس زنان
۲۰- عدم اعتماد، احتیاط و دوری‌گزینی زنان از سیاست
۲۱- وجود نگرش‌ها (پیش‌داوری و تعصبات منفی) برای حضور زنان در عرصه سیاست
۲۲- نگرانی و ترس زنان از نگرش منفی دیگران
۲۳- نگرانی زنان برای آسیب رساندن به شئون مذہبی با ورود به عرصه عمومی

(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

این نکته حائز اهمیت است که در جدول شماره ۲، عوامل ذکر شده از شماره ۱ تا ۱۳ جزء عواملی هستند که از مطالعه منابع پیشین به دست آمده و از شماره ۱۴ تا ۲۳ جزء عواملی هستند که از مصاحبه با نخبگان به دست آمده است.

۳-۴. دسته بندی عوامل محدودیت میزان مشارکت سیاسی زنان

همچنین بنابر نظر پژوهشگران با تأیید شرکت کنندگان، این ۲۳ عامل در مرحله دوم روش دلفی در پنج دسته موضوعی «اجتماعی»، «سیاسی»، «خانوادگی»، «شخصی» و «فرهنگی» دسته بندی شد و در ادامه پرسشنامه بسته ای با پاسخ های پنج درجه ای طیف لیکرت برای این عوامل ۲۳ گانه تهیه و در اختیار شرکت کنندگان گذاشته شد. در جدول شماره ۳ داده های به دست آمده از این مرحله، به شکل نمره دهی به هر عامل نشان داده شده است. در این جدول برای انجام محاسبات، نمره ۱ برای مخالفت کامل و نمره ۵ برای موافقت کامل از سوی هر شرکت کننده به صورت (الف تا دال) لحاظ شده است.

جدول شماره (۳): نمرات نخبگان به هر عامل در هر دسته در پرسشنامه مرحله دوم روش دلفی

ردیف	عوامل تأثیرگذار بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان	دسته	الف	ب	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د
۱	عدم اعتماد و تمایل برخی از مسئولان برای انتخاب و حضور زنان در عرصه سیاست	سیاسی	۴	۴	۴	۴	۵	۴	۵	۴	۴	۴
۲	نبودن یا کمی تشکل و انجمن های زنانه کارآمد برای آگاهی بخشی و کادرسازی مناسب برای ورود زنان به عرصه سیاست	سیاسی	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۵	۴	۴	۴
۳	پایین بودن مشارکت و حضور زنان در انجمن ها، تشکل ها و نشریات سیاسی	سیاسی	۴	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۵	۴	۴
۴	فقدان نگرش راهبردی و آسیب شناسانه به محدود بودن مشارکت سیاسی زنان	سیاسی	۳	۴	۴	۳	۵	۵	۴	۴	۴	۵
۵	عدم حمایت مراکز آموزشی نظیر	اجتماعی	۵	۴	۵	۳	۴	۲	۵	۳	۳	۴

ردیف	عوامل تأثیرگذار بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان	دسته	الف	ب	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د
	دانشگاه از مسائل مربوط به زنان در خصوص سیاست											
۶	عدم حمایت رسانه جمعی (اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی محدود رسانه‌ها در خصوص موضوعات مربوط به سیاست به زنان)	اجتماعی	۵	۴	۴	۲	۳	۵	۲	۴	۴	۵
۷	پایین بودن سطح تحصیلات زنان	اجتماعی	۵	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۴	۴	۵
۸	محدود بودن مؤسسه علمی و مطالعاتی مختص مسائل زنان در کشور به منظور رصد کردن موانع مشارکت زنان و راهکار رفع آنان	اجتماعی	۵	۵	۵	۳	۴	۴	۵	۵	۵	۴
۹	آموزش متفاوت به دختر و پسر و نبود امکانات آموزشی برابر برای ورود به حرفه‌های سیاسی	اجتماعی	۴	۲	۴	۵	۴	۵	۵	۴	۴	۳
۱۰	نقش خانواده در تربیت متفاوت دختران و پسران	خانوادگی	۴	۴	۵	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۳
۱۱	اولویت و اهمیت بیشتر نقش مادری، همسر داری نسبت به نقش‌های عمومی (مشارکت سیاسی)	خانوادگی	۵	۴	۵	۵	۴	۵	۵	۳	۴	۴
۱۲	مخالفت و عدم حمایت والدین و همسر برای ورود به عرصه سیاست	خانوادگی	۴	۴	۴	۴	۵	۴	۵	۴	۳	۴
۱۳	فشار زیاد و خستگی برای ایجاد توازن بین نقش‌های دوگانه و در نهایت ترک مشارکت سیاسی	خانوادگی	۵	۴	۴	۵	۱	۳	۵	۴	۵	۳
۱۴	کمبود وقت به دلیل مشغله زیاد	خانوادگی	۴	۴	۳	۳	۴	۴	۳	۴	۲	۴

ردیف	عوامل تأثیرگذار بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان	دسته	الف	ب	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د
	در خانه برای انجام وظایف مادری، خانه داری و همسری و به تبع نداشتن وقت برای پرداختن به نقش‌های سیاسی											
۱۵	نگرانی زنان از آسیب رسیدن به شئون مذهبی با حضور در عرصه عمومی (رعایت نشدن مسئله محرم و نامحرم در عرصه عمومی)	فرهنگی	۴	۳	۴	۴	۲	۴	۴	۳	۲	۲
۱۶	نگرانی و ترس زنان از نگرش منفی دیگران	فرهنگی	۵	۳	۴	۴	۲	۴	۴	۴	۲	۲
۱۷	وجود نگرش‌های منفی (پیش‌داوری و تعصبات منفی) برای حضور زنان در عرصه سیاست	فرهنگی	۴	۳	۴	۴	۴	۲	۲	۴	۴	۴
۱۸	وجود فرهنگ مردسالارانه در ساختار سیاسی	فرهنگی	۵	۳	۴	۵	۵	۳	۴	۴	۵	۵
۱۹	عدم علاقه و انگیزه برای حضور و مشارکت در عرصه سیاسی	شخصی	۴	۵	۴	۴	۵	۵	۴	۵	۴	۳
۲۰	عدم اعتماد، احتیاط و دوری‌گزینی زنان از سیاست	شخصی	۴	۴	۴	۳	۵	۴	۴	۳	۴	۴
۲۱	خجالتی و احساسی بودن زنان	شخصی	۴	۴	۴	۴	۴	۵	۳	۴	۴	۳
۲۲	عملکرد ضعیف زنان در حوزه سیاست	شخصی	۵	۴	۴	۳	۵	۲	۲	۴	۵	۲
۲۳	عدم خودباوری و اعتماد به نفس زنان	شخصی	۵	۴	۲	۲	۳	۴	۵	۵	۲	۲

(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

۴-۴. رتبه‌بندی عوامل محدودیت مشارکت سیاسی زنان

در مرحله دوم روش دلفی، پس از اینکه داده‌ها گردآوری شد، پژوهشگران برای اینکه از میزان موافقت و تأیید شرکت‌کنندگان با هر عامل مطلع شوند، نمرات را جمع و سپس از حاصل جمع نمرات و میانگین آنها بهره جستند. جدول شماره ۴، ترسیم‌کننده برآیند جمع و معدل نمرات هر عامل و هر دسته از این عامل‌هاست که نشانگر این است که، دسته «اجتماعی» بیشترین نمره و میانگین را به دست آورده و جزء مهم‌ترین عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت در ایران از سوی صاحب‌نظران است و پس از آن به ترتیب دسته‌های «سیاسی»، «خانوادگی»، «شخصی» و «فرهنگی» قرار دارند. سپس با روش شانون، مجدداً داده‌ها بررسی شد. با این فرمول، بار اطلاعاتی هر عامل و وزن عامل‌های تأثیرگذار اندازه‌گیری شد. برای بهره‌مندی از این فرمول، به وسیله رابطه (۱) داده‌های جدول فراوانی به‌هنجار شد (Azar, 2001, pp. 1-18) که در این فرمول، F_{ij} نمره هر شرکت‌کننده به عوامل و P_{ij} نمره به‌هنجار شده می‌باشد. در ادامه به وسیله رابطه (۲)، بار اطلاعاتی هر مقوله (E_j) محاسبه گردید. در این رابطه n تعداد مقوله‌ها و m تعداد شرکت‌کنندگان می‌باشد (دارا و صادقی، ۱۴۰۰، ص. ۲۹). سپس به وسیله رابطه (۳)، وزن هر عامل یا مقوله (W_j) به دست آمد که به شرح ذیل است.

$$P_{ij} = \frac{F_{ij}}{\sum_{i=1}^m F_{ij}} \quad (i = 1, 2, \dots, m; j = 1, 2, \dots, n) \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m [P_{ij} \ln(P_{ij})] \quad j \in 1 \dots n \quad k = \frac{1}{\ln(m)}$$

$$W_{ij} = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j} \quad \text{رابطه (۲)}$$

جدول شماره (۴): یافته‌های به‌دست آمده از پرسشنامه مرحله دوم روش دلفی (عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت در ایران)

میانگین وزن دسته	وزن شاخص تکنیک شانون	بار اطلاعاتی عوامل	میانگین دسته	میانگین دسته	جمع نمره	عوامل	دسته
۰/۰۴۳۸۰	۰/۴۳۸۶	۱/۴۲۸	۴/۱۲	۴/۲	۴۲	عدم اعتماد و تمایل برخی از مسئولان برای انتخاب و حضور زنان در عرصه سیاست	سیاسی
	۰/۴۳۸۲	۱/۴۲۶		۴	۴۰	نبود و کمی تشکل و انجمن‌های زنانه کارآمد برای آگاهی بخشی و آماده‌سازی و کادرسازی مناسب برای ورود زنان به عرصه سیاست	
	۰/۴۳۸۶	۱/۴۲۸		۴/۲	۴۲	پایین بودن نقش و مشارکت زنان در انجمن‌ها، تشکل‌ها و نشریات سیاسی	
	۰/۴۳۶۶	۱/۴۲۱		۴/۱	۴۱	فقدان نگرش راهبردی و آسیب شناسانه به موانع مشارکت سیاسی زنان	
۰/۰۴۳۴۷	۰/۰۴۳۲۸	۱/۴۰۹	۴/۱۴	۳/۸	۳۸	عدم حمایت مراکز آموزشی نظیر دانشگاه از مسائل مربوط به زنان در خصوص سیاست	اجتماعی
	۰/۰۴۳۱۱	۱/۴۰۴		۳/۸	۳۸	عدم حمایت رسانه جمعی (اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی محدود رسانه‌ها به جامعه ی زنان در خصوص موضوعات مربوط به سیاست	
	۰/۰۴۳۷۲	۱/۴۱۴		۴	۴۰	نبود امکانات آموزشی برابر برای روی آوردن به حرفه‌های سیاسی	
	۰/۰۴۳۸۳	۱/۴۲۷		۴/۶	۴۶	پایین بودن سطح تحصیلات زنان	
	۰/۰۴۳۴۲	۱/۴۲۳		۴/۵	۴۵	محدود بودن مؤسسه علمی و مطالعاتی مختص مسائل زنان در کشور به منظور رصد کردن موانع مشارکت زنان و راهکار رفع آنان	
۰/۰۴۳۷۲	۱/۴۲۳	۱/۴۲۳		۴/۴	۴۴	نقش خانواده در تربیت متفاوت دختران و پسران	
	۰/۰۴۳۷۲			۴/۴	۴۴	اولویت و اهمیت بیشتر نقش مادری،	

دسته	عوامل	جمع نمره	میانگین	میانگین دسته	بار اطلاعاتی عوامل	وزن شاخص تکنیک شانون	میانگین وزن دسته
خانوادگی	همسر داری نسبت به نقش های عمومی (مشارکت سیاسی)؛	۴۱	۴/۱	۴/۰۶	۱/۴۲۵	۰/۰۴۳۷۸	۰/۰۴۳۵۱
	مخالفت و عدم حمایت والدین و همسر برای ورود به عرصه سیاست	۳۹	۳/۹		۱/۳۹۳	۰/۰۴۲۸۰	
	فشار زیاد و خستگی برای ایجاد توازن بین نقش های دوگانه و در نهایت ترک مشارکت سیاسی	۳۵	۳/۵		۱/۴۱۸	۰/۰۴۳۵۶	
	کمبود وقت به دلیل مشغله زیاد در خانه برای انجام وظایف مادری، خانه داری و همسری و به تبع نداشتن وقت برای پرداختن به نقش های سیاسی						
فرهنگی	نگرانی زنان از آسیب رسیدن به شئون مذهب (رعایت نشدن مسئله محرم و نامحرم در عرصه عمومی)	۳۲	۳/۲	۳/۰۶	۱/۴۰۶	۰/۰۴۳۲۰	۰/۰۴۳۳۳
	نگرانی و ترس زنان از نگرش منفی دیگران	۳۴	۳/۴		۱/۴۰۱	۰/۰۴۳۰۴	
	وجود نگرش های منفی (پیش داوری و تعصبات منفی) برای حضور زنان در عرصه سیاست	۳۵	۳/۵		۱/۴۱۲	۰/۰۴۳۳۸	
	وجود فرهنگ مردسالارانه در ساختار سیاسی	۴۳	۴/۳		۱/۴۲۴	۰/۰۴۳۷۳	
شخصی	عدم علاقه و انگیزه برای حضور و مشارکت در عرصه سیاسی	۴۳	۴/۳	۳/۸۲	۱/۴۲۴	۰/۰۴۳۷۳	۰/۰۴۳۳۲
	عدم اعتماد، احتیاط و دوری گزینی زنان از سیاست	۳۹	۳/۹		۱/۴۲۵	۰/۰۴۳۷۶	
	نخجالتی و احساسی بودن زنان	۳۹	۳/۹		۱/۴۲۵	۰/۰۴۳۷۶	
	عملکرد ضعیف زنان در سیاست	۳۶	۳/۶		۱/۳۹۴	۰/۰۴۲۸۲	
	عدم خودباوری و اعتماد به نفس در زنان	۳۴	۳/۴		۱/۳۸۶	۰/۰۴۲۵۶	

(منبع: یافته های پژوهش حاضر)

جدول شماره ۴ نشان‌دهنده این امر است که:

الف. تأیید رتبه‌بندی حاصل آمده از روش شانون: یافته‌های به‌دست آمده از روش شانون در مقایسه با یافته‌های کسب شده از روش فراوانی متفاوت است و اهمیت عوامل و رتبه‌بندی و اولویت آنها را به صورت متفاوت ترسیم کرده و به این دلیل که دقت الگوریتم شانون برای وزن‌دهی به عوامل بیشتر است، به تبع الگوریتم شانون، اساس نتیجه‌گیری این پژوهش است.

ب. شناخت سه عامل اصلی در محدودیت مشارکت سیاسی زنان: بر اساس جدول شماره ۴، سه عامل، «عدم اعتماد و تمایل برخی از مسئولان برای انتخاب و حضور زنان در عرصه سیاست»؛ «پایین بودن نقش و مشارکت زنان در انجمن‌ها، تشکل‌ها و نشریات سیاسی» و «پایین بودن سطح تحصیلات زنان» جزء مهم‌ترین عواملی هستند که منجر به محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت در ایران شده است. همچنین «عدم خودباوری و اعتماد به نفس در زنان» جزء کمترین علل تأثیرگذار در محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت در ایران است که به دلیل عدم اجماع صاحب‌نظران حذف شد.

از تحلیل الگوریتم شانون، یافته‌هایی به‌دست آمد که نشان داد، دسته عوامل «سیاسی» که شامل عدم اعتماد و تمایل برخی از مسئولان برای انتخاب و حضور زنان در عرصه سیاست؛ پایین بودن نقش و مشارکت زنان در انجمن‌ها، تشکل‌ها و نشریات سیاسی؛ کمی تشکل و انجمن‌های زنانه کارآمد برای آماده‌سازی و کادرسازی مناسب برای ورود زنان به عرصه سیاست؛ فقدان نگرش راهبردی و آسیب‌شناسانه به محدود بودن مشارکت زنان می‌باشد، بیشترین میزان تأثیر را بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت در ایران داشته است.

پس از عوامل سیاسی، دسته عوامل «خانوادگی» قرار داشت که شامل مخالفت و عدم حمایت والدین و همسر برای ورود به عرصه سیاست؛ نقش خانواده در تربیت متفاوت دختر و پسر؛ اولویت و اهمیت بیشتر نقش مادری، همسررداری نسبت به نقش‌های عمومی؛ کمبود وقت بدلیل مشغله زیاد در خانه برای انجام وظایف مادری و همسری و به تبع نداشتن وقت برای پرداختن به نقش‌های سیاسی و فشار زیاد و

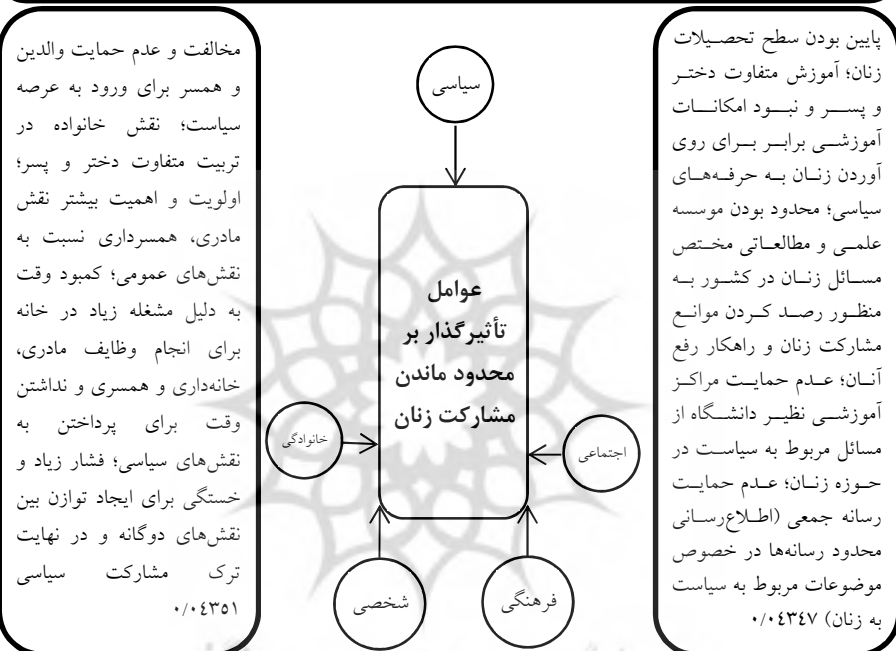
خستگی برای ایجاد توازن بین نقش‌های دوگانه و در نهایت ترک مشارکت سیاسی بود. سپس دسته عوامل «اجتماعی» قرار داشت که شامل پایین بودن سطح تحصیلات زنان؛ آموزش متفاوت دختر و پسر و نبود امکانات آموزشی برابر برای روی آوردن زنان به حرفه‌های سیاسی؛ محدود بودن مؤسسه علمی و مطالعاتی مختص مسائل زنان در کشور به منظور رصد کردن موانع مشارکت زنان و راهکار رفع آنان؛ عدم حمایت مراکز آموزشی نظیر دانشگاه از مسائل مربوط به سیاست در حوزه زنان و عدم حمایت رسانه جمعی (اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی محدود رسانه‌ها در خصوص موضوعات مربوط به سیاست به زنان) بود. پس از دسته عوامل اجتماعی، دسته عوامل «فرهنگی» بر محدود بودن مشارکت سیاسی زنان تأثیرگذار بود که وجود فرهنگ مردسالارانه در ساختار سیاسی، وجود نگرش‌های منفی (پیش‌داوری و تعصبات منفی) برای حضور زنان در عرصه سیاست، آسیب رسیدن به شئون مذہبی با ورود زنان به عرصه عمومی (رعایت نشدن مسئله محرم و نامحرم در عرصه عمومی و نگرانی و ترس زنان از نگرش و واکنش منفی دیگران بود.

پ. تأثیر کم عوامل شخصی در محدودیت مشارکت سیاسی زنان: عوامل «شخصی» کمترین میزان تأثیر را بر محدود بودن مشارکت سیاسی زنان در ایران داشته است که عدم علاقه و انگیزه زنان برای حضور و مشارکت در عرصه سیاسی، عدم اعتماد و دوری‌گزینی زنان از سیاست، عملکرد ضعیف زنان در سیاست بود. بنابراین ۲۲ عامل تأثیرگذار بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت در ایران، در پنج دسته موضوعی تأیید شد که در نمودار شماره (۳) دیده می‌شود که ترتیب عامل‌ها در هر دسته، به ترتیب اهمیت‌شان است و دارای معناست.

نمودار شماره (۳): عوامل تأثیرگذار بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان

در عرصه وزارت در ایران

عدم اعتماد و تمایل برخی از مسئولان برای انتخاب و حضور زنان در عرصه سیاست؛ پایین بودن نقش و مشارکت زنان در انجمن‌ها، تشکل‌ها و نشریات سیاسی؛ نبود و کمی تشکل و انجمن‌های زنانه کارآمد برای آگاهی‌بخشی و آماده‌سازی و کادرسازی مناسب برای ورود زنان به عرصه سیاست، فقدان نگرش راهبردی و آسیب‌شناسانه به محدود بودن مشارکت زنان ۰/۰۴۳۸۰



وجود فرهنگ مردسالارانه در ساختار سیاسی؛ وجود نگرش‌های منفی (پیش‌داوری و تعصبات منفی) برای حضور زنان در عرصه سیاست؛ آسیب رسیدن به شئون مذهب با ورود زنان به عرصه عمومی؛ نگرانی و ترس زنان از نگرش و واکنش دیگران ۰/۰۴۳۳۳

عدم علاقه و انگیزه زنان برای حضور و مشارکت در عرصه سیاسی؛ عدم اعتماد، احتیاط و دوری‌گزینی زنان از سیاست؛ عملکرد ضعیف زنان در سیاست ۰/۰۴۳۳۲

(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت در ایران تحت تأثیر عوامل شخصی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد که این عوامل از یک سو به علت عدم شناسایی موقع و از سوی دیگر به دلیل اینکه در کلیت خود مورد بررسی قرار نگرفته و راهکاری بر رفع آنها در نظر گرفته نشده است، همچنان باقی مانده‌اند و مشارکت سیاسی زنان را به‌ویژه در عرصه وزارت تحت تأثیر قرار داده‌اند و مانع از افزایش مشارکت زنان در عرصه وزارت شده‌اند. به همین منظور در این پژوهش تلاش کردیم که به این پرسش پاسخ دهیم که عوامل تأثیرگذار بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت کدامند؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش از رویکرد جامعه‌شناختی، روش دلفی و روش شانون بهره گرفتیم و به همین منظور ۱۰ نفر از نخبگان رشته علوم سیاسی انتخاب شدند. در ابتدا مصاحبه باز انجام شد و از متن مصاحبه‌ها، عواملی که منجر به محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت بود، استخراج شد. این عوامل با عوامل به‌دست آمده از مرور منابع مقایسه شد و در نهایت ۲۳ عامل در ۵ دسته «سیاسی»، «اجتماعی»، «خانوادگی»، «فرهنگی» و «شخصی» دسته‌بندی شدند و به صورت پرسشنامه بسته تهیه و در اختیار صاحب‌نظران گذاشته شد. از پرسشنامه، داده‌هایی کسب شد که با دو روش (فراوانی و میانگین) و روش شانون مورد تحلیل قرار گرفت و به این دلیل که الگوریتم شانون دارای اعتبار بیشتری است، اساس نتیجه‌گیری پژوهش قرار گرفت و سرانجام عامل «عدم اعتماد به نفس و خودباوری زنان» به دلیل عدم اجماع نخبگان، حذف گردید و ۲۲ عامل که بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت در ایران تأثیر گذاشته است، مورد تأیید قرار گرفت و نشان داد که دسته عوامل «سیاسی» بیشترین میزان تأثیر را در محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت داراست و پس از آن دسته موانع «خانوادگی»، «اجتماعی»، «فرهنگی» و «شخصی» قرار دارند. مضاف بر مشخص شدن عوامل تأثیرگذار بر محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در عرصه وزارت، راهکارهای پیشنهادی رفع این عوامل چنین است:

اول. ارتقا نظام آموزشی کشور ایران و فراهم کردن بستر و امکانات مناسب و مطلوب

برای آموزش برابر زنان و مردان؛
دوم. اصلاح یا تغییر محتوای کتاب‌های درسی به منظور اشاعه و ترویج برابری همه انسان‌ها (زن و مرد)؛
سوم. آموزش دختران و زنان برای ترغیب و تشویق آنان برای اینکه به حرفه‌ها و مناصب سیاسی وارد گردند؛
چهارم. آموزش معلمان و اساتید کشور برای فراهم کردن تغییر و تحول در عقاید، باورها و نگرش‌های موجود در فرهنگ جامعه؛
پنجم. برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و درازمدت فرهنگی (فرهنگ‌سازی و اقناع‌سازی) برای تغییر باورهای موجود در جامعه به ویژه در خصوص توانایی‌های زنان؛
ششم. تغییر نگرش خانواده‌ها نسبت به توانایی‌ها و برابری دختران و پسران به وسیله آموزش مداوم خانواده‌ها به وسیله ابزارهای گوناگون نظیر رسانه‌های اجتماعی (تلویزیون، سینما، شبکه‌های مجازی و...)
هفتم. کمک به تأمین منابع مالی احزاب سیاسی زنان برای تشکیل و ادامه فعالیتشان از طریق دریافت حق عضویت اهدای کمک‌های مالی علاقه‌مندان و طرفداران حزب و طریق کمک‌های دولتی به حزب؛
هشتم. حمایت دولت و جامعه زنانه از تشکیل مؤسسه‌های علمی و مطالعاتی حوزه زنان در کشور به منظور بررسی عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان و ارائه راهکارهای کارآمد برای رفع آن؛
نهم. طراحی و ایجاد نظام سهمیه‌بندی ۲۰ درصدی برای حضور زنان در پست‌های اجرایی و سیاسی؛
دهم. طراحی و ایجاد نظام سهمیه‌بندی ۲۰ تا ۴۰ درصدی برای مشارکت و حضور زنان در هیئت وزیران.

1. Seymour Martin Lipset

کتابنامه

- آگهی، حسین (۱۳۹۶). «موانع فردی و خانوادگی مشارکت سیاسی زنان در روستا (مطالعه موردی شهرستان هرسین - دهستان شیراز)»، فصلنامه توسعه رهبردی روستا. ۴(۱)، ۲۸-۲۱. پالیزان، محسن (۱۳۹۰). «بررسی میزان تمایل دانشجویان در مشارکت سیاسی و عوامل موثر بر آن»، فصلنامه سیاست. ۴۱(۲)، ۴۲-۳۳.
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۹). «تحلیلی بر میزان مشارکت زنان در تشکل‌های سیاسی کشور در سال ۱۳۸۵»، پژوهش زنان. ۷(۱)، ۲۸-۱۷.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹). نظریه جامعه‌شناسی. تهران: سمت.
- خلیلی، محسن (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی مشارکت سیاسی زنان در جامعه معاصر ایران»، پژوهش زنان. ۵(۲)، ۱۸۶-۱۶۵.
- دارا، جلیل و صادقی، الهه (۱۴۰۰). «تبیین بنیان‌های فضایی نمایندگی زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی (دوره اول تا یازدهم مجلس)»، فصلنامه آمایش سیاسی فضا. ۴(۱)، ۲۶-۱.
- راووداراد، اعظم (۱۳۸۳). سینمای سیاسی ایران و زنان کارگردان، مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
- عیوضی، محمدرحیم و کریمی، غلامرضا (۱۳۹۰). «مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکردی اسلامی»، دوفصلنامه علمی دانش سیاسی. ۷(۲)، ۱۶۶-۱۳۳.
- فیروزجائیان، علی اصغر (۱۳۸۷). «تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان»، مجله علوم اجتماعی دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. ۱۱(۱)، ۸۳-۱۰۹.
- کار، مهرانگیز (۱۳۸۰). موانع مشارکت سیاسی زنان. تهران: نشر روشنگران.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳). نقش اجتماعی شدن سیاسی و عوامل اجتماعی‌کننده در مشارکت سیاسی، مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی. در تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۱). جنسیت و مشارکت. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- مصفا، شیرین (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات.
- میلبراث، لستر (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی، (رحیم ابوالحسنی، مترجم). تهران: میزان.

ناجی راد، محمدعلی (۱۳۸۲). موانع مشارکت زنان پس از انقلاب اسلامی. تهران: کویر.
نژاد بهرام، زهرا (۱۳۸۸). موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران. تهران: رسانش.
نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: سمت.
هاشمی، ضیاء (۱۳۸۹). «بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران»، پژوهشنامه علوم سیاسی. ۵ (۱)، ۲۰۶-۲۰۷.

Azar, A (2001). "Developing of Shanon Entropy Method in content Analysis", *Al_zahra University Jurnal of Namanities*. 11(37-38), pp. 1-18.

Hus, Chia-Chien (2007). "Delphi Technique: Making Sence of consensus", *Practical Assessment. Research & Evaluation Journal*, pp. 10-11.

Linstone, H. A. (2002). *Thr Delphy method, Techniques and Applications*. Melbourne: Addison Wesley Publishing Company.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی